

اسارت عاملیت: تحلیل روایت زندگی روزمره دوران تحریم در اصفهان*

عرفان ترابی اصفهانی^۱، احسان آقابابایی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹)

چکیده

مردم اصفهان با زیست در ایران پس‌انقلابی به‌طور دائم با چالش تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند. از سال ۱۳۹۰ تحریم‌ها شدت بیشتری یافت و با هدف فلج‌کنندگی، خود را بر زندگی روزمره ایرانیان به‌طور جدی تحمیل کرد. هدف مقاله حاضر تفسیر زندگی روزمره جوانان اصفهانی در دوره تحریم‌های اقتصادی است. چارچوب مفهومی مقاله ملهم از نظریهٔ برساخت‌گرایی اجتماعی برگزیده و لاکمن است. روش مورد استفاده تحلیل روایت است. با ۱۶ مرد جوان ۲۰ تا ۳۵ سال مصاحبهٔ اپیژودیک انجام شده و داده‌ها به روش تحلیل مضمونی روایت، تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی اصلی زندگی روزمره در این دوران عاملیتی است که به اسارت رفته است. اگرچه تحریم‌های اقتصادی بدیهی‌نمایی امور زندگی روزمره را مورد خدشه قرار داده، ولی در عین حال روال‌های بدیهی دیگر در جدال کنشگران و تجربهٔ این وضعیت برساخته شده است.

واژگان کلیدی: تحریم، زندگی روزمره، اسارت عاملیت، تحلیل روایت، برساخت‌گرایی.

Doi: <http://10.22034/JSI.2024.2018869.1689>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ etierfan@gmail.com

۲ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
ehsan.aqababaie@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۱۱-۱۳۷

مقدمه و بیان مسئله

سرآغاز داستان تحریم در ایران پس‌انقلابی را می‌توان از فرمان ۱۲۱۷۰ کارتر در پی تسخیر سفارت آمریکا دانست. این فرمان مبنی بر توقیف دارایی‌ها و سرمایه‌های دولت ایران در آمریکا بود. اما فصل حساسی از تحریم‌ها با مطرح‌شدن پرونده هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۵ شروع شد. زمانی که تحریم‌ها نه تنها از طرف یک کشور (آمریکا) بلکه از جانب اتحادیه اروپا و شورای امنیت نیز اعمال شد. از سال ۲۰۱۰ بود که به مرور تحریم‌ها از هدفمند به جامع تغییر فاز یافت و زیست‌روزمه مردم را درگیر خود کرد. از آن پس، زندگی روزمره در سایه تحریم و با امید و ناامیدی‌هایی نسبت به برطرف‌شدن تحریم‌ها سپری می‌شد (باری و همکاران، ۱۳۹۸؛ علوی، ۱۳۹۵).

تحریم‌های اقتصادی در ایران را از دو وجه می‌توان دنبال کرد: اول اینکه تحریم‌ها بی‌رحمانه توسط دولت‌های غربی و سازمان ملل به صورت چندجانبه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ برقرار بود. برجام این تحریم‌ها را تا سال ۱۳۹۷ متوقف کرد؛ با خروج ترامپ از برجام از سال ۱۳۹۷ تحریم‌ها این بار به صورت یکجانبه ولی با شدت از طرف آمریکا اعمال شد و محدودیت وحشتناکی را برای زندگی مردم ایجاد کرد. در وجه دیگر ما با سیاست‌هایی داخلی روبه‌رو هستیم که گاهی تأثیرگذاری تحریم را افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال وابستگی نهادینه‌شده به درآمدهای نفتی باعث شد که با برقرار شدن تحریم‌های نفتی، امنیت ملی در ابعاد مختلف آن به خطر بیفتد. همچنین برخی سیاست‌های داخلی مثل فیلترینگ که در این دوران اعمال شد، بی‌ربط به تحریم‌ها به نظر می‌رسند، ولی در راستای ایجاد احساس محدودیت و دشوار کردن شرایط زندگی روزمره حرکت کردند (فرزانگان و بتمانقلیچ، ۲۰۱۸؛ سردارنیا و دیگران، ۱۴۰۲).

در این شرایط تحریم وضعیت اجتماعی جدیدی را رقم زد و روال‌های معمول، تکراری، آشنا و بدیهی نمای زندگی روزمره مورد خدشه قرار گرفت. در چنین بستری به‌خوبی می‌توان زندگی روزمره را به‌عنوان عرصه تلاقی ساخت‌های کلان جامعه (همچون اقتصاد) با معانی ذهنی کنشگران مطالعه کرد. تحریم‌های اقتصادی با اختلالی که در تداوم روال‌های بدیهی نمای روزمره داشت، بستر مناسبی برای مطالعه برساخت واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره است (سوزی، ۱۳۹۷؛ لاجوردی، ۱۳۹۳؛ کاظمی، ۱۳۹۴).

بدین قرار، زندگی روزمره تعداد قابل‌توجهی از ایرانیان به‌طور عام و شهروندان شهر اصفهان به‌طور خاص متأثر از تحریم شده است. برخی دوره نوجوانی خود را به دورزدن تحریم برای نصب بازی‌ها و ساخت حساب‌های کاربری مختلف سپری کردند و اوایل جوانی خود را با محدودیت‌هایی

که این تحریم‌ها در راه تحصیلشان ایجاد کرد، به سر بردند. سرپرستان خانواده با مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم کلنچار می‌رفتند. بعضی کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار شدند و بعضی مشاغل و کارخانه‌ها رونق گرفتند. شرکت‌هایی انحصاراً، صاحب بازاری خاص مثل لوازم‌خانگی شدند. در این دوران شاهد زایش واژه‌هایی مثل کاسب و دلال تحریم بودیم. در چنین وضعیتی که رد پای تحریم را از تلفن همراه خود گرفته تا لحظه‌لحظه از تأمین معاشمان و سرتاسر زندگی روزمره‌مان می‌بینیم، مسئله پژوهش حاضر این است که چه روایت‌هایی در مورد تجربیات زندگی روزمره در دوران تحریم شکل می‌گیرد و تغییر تعاملات اجتماعی در شرایط تحریم چگونه در روایت افراد بازتاب می‌یابد.

پیشینه پژوهش

با مروری بر پژوهش‌هایی که پیش‌از این پیرامون تحریم‌های اقتصادی علیه ایران انجام شده، می‌توان دید که پژوهشگران اغلب از سه زاویه پیامدهای اقتصادی (محمدی‌نژاد پاشاکی و اقبال نیا، ۱۴۰۲؛ اشرف گنجویی و ایرانمنش، ۱۴۰۲؛ ترکی و مظاهری، ۱۴۰۱؛ اسماعیل‌پور و دیگران، ۱۴۰۱؛ غفاری‌فرد و دیگران، ۱۴۰۱؛ نوفرستی و دیگران، ۱۴۰۱) و سیاست‌های اتخاذی (سرزعی، ۱۴۰۲؛ فدوی و دیگران، ۱۴۰۱؛ ملکی، ۱۴۰۱) و حقوقی (احمدپور و دیگران، ۱۴۰۱؛ جعفرزاده، ۱۴۰۱) به این پدیده نگاه انداخته‌اند. از آن جهت که پژوهش ما این پدیده را از نظرگاه جامعه‌شناختی دنبال می‌کرد، باید پژوهش‌هایی را که از این جهت به موضوع نگاه انداخته‌اند، به‌صورت جدی‌تری مرور کرد. برای مثال محدود پژوهش‌هایی بودند که بر وجوهی از زندگی در دوران تحریم نگاه انداخته بودند. کریم و همکاران (۱۴۰۰) توجه خود را بر مصرف خانوار در این دوران انداخته‌اند. آن‌ها با رویکردی پوزیتیویستی و روشی کمی به این بعد از زندگی روزمره نگاه انداخته‌اند و موضوع کاهش مصرف خانوار را با استفاده از آمارها طرح کرده‌اند. از این‌رو در پژوهشمان حوزه مصرف را یکی از بخش‌های مهم مطالعه‌مان قرار دادیم. به دو پژوهش دیگر نیز می‌توان اشاره کرد که از نظرگاه بسیار مشابه ولی در جغرافیایی دیگر به پدیده تحریم پرداخته‌اند. فریس (۲۰۰۶) به تحلیل اسناد و خاطرات ایتالیای ۱۹۳۵ پرداخته است. توجه او روی شهر ونیز بوده است؛ در موقعیتی که ایتالیا پس از حمله به اتیوپی گرفتار تحریم‌های جامعه بین‌الملل شد. او تغییرات به‌وجودآمده در زندگی روزمره مردم در چنین شرایطی را توصیف می‌کند و از تفاوت رویه‌های مصرف و حمل‌ونقل در این وضعیت می‌گوید. او همچنین زنان را خط مقدم مقاومت در برابر تحریم می‌داند؛ جایی که

گلوگاه مصرف خانواده است. علاوه بر این بیان می‌کند که حکومت فاشیستی از پدیدآمدن این فضای مقاومتی در برابر تحریم، برای پیشبرد پروژه سیاسی و ایدئولوژیک خود استفاده کرد. هاجدوکویچ (۲۰۱۴) نیز به موضوع تحریم‌های اقتصادی صربستان که از سال ۱۹۹۲ برقرار شد، پرداخته است. او از رویه‌های خلاقانه به‌وجودآمده در مصرف و زندگی روزمره و شبکه‌های اجتماعی که در بین افراد ایجاد شده است، می‌گوید. در هر صورت دو پژوهش اخیر یادشده، زاویه نگاه خود را به سمت زندگی روزمره افراد تغییر داده‌اند و به نظاره زندگی روزمره دوران تحریم نشسته‌اند. از این رو می‌توان آن‌ها را راهگشای مسیری که در پژوهشمان طی کردیم، بدانیم. همچنین، رنجبر (۲۰۲۲) نیز به زندگی ایرانیان ساکن در ایالت متحده پرداخته است و تحریم را در زندگی آن‌ها بسیار اثرگذار ترسیم می‌کند که به آوارگی درجا^۱ برای آن‌ها منجر شده است که می‌تواند یادآور تأثیرات مضاعف تحریم‌های اقتصادی بر زندگی روزمره ایرانیان داخل کشور باشد. همچنین اسماعیل و اسماعیل (۲۰۰۹) در بخشی از پژوهششان به زندگی روزمره خانواده عراقی در دوران تحریم عراق پرداخته‌اند. آن‌ها زنان را احیاکننده شبکه‌های اجتماعی می‌دانند و به نقش سنتی مسجد به‌عنوان مرکزی اجتماعی برای سازمان‌دهی خدماتی که دیگر از طریق بخش عمومی ارائه نمی‌شود، اشاره می‌کنند. اگر تحریم را به‌عنوان یک بحران و آشفتگی در نظر بگیریم، می‌توانیم به پژوهش افراسیابی و بهارلویی (۱۳۹۹) نیز توجه کنیم که به زندگی روزمره متولدین دهه هفتاد اصفهانی در شرایط تورم می‌پردازد. از آنجاکه تورم و تحریم در ایران اغلب همراه با هم بوده‌اند؛ نتایج این پژوهش بسیار مرتبط به نظر می‌رسد. جایی که آشفتگی اقتصادی عادت‌واره خاصی را برای افراد بر ساخت می‌کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که جای خالی رویکردی جامعه‌شناختی در نگاه به پدیده تحریم‌های اقتصادی علیه ایران حس می‌شود؛ نگاهی که تحریم را از زاویه زندگی روزمره افراد مورد مطالعه قرار داد.

مرور نظری و چارچوب مفهومی

۱. زندگی روزمره

زندگی روزمره عبارت است از «شیوه‌های معمول یا مداوم زندگی مانند کارهای روتین و رفتارهای بین‌فردی و همچنین عناصری از فرهنگ مادی همچون لباس و دکوراسیون» (مارشال و باتلر، ۱۹۹۴: ۱۸۰). «جامعه‌شناسی زندگی روزمره شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که سامان‌یابی و

1 situ displacement

معنی زندگی روزمره را بررسی می‌کند؛ معمولاً (اما نه منحصرأ) با جامعه‌شناسی خرد و پژوهش کیفی در مطالعه طیف وسیعی از تجربیات روزمره مثل رفتار عابران پیاده، خواب، تلفن، تجربیات کاری، حرف‌زدن و زمان شناخته می‌شود.» (همان: ۱۶۲). زندگی روزمره سه ویژگی دارد. اولین آن‌ها این است که زندگی روزمره شامل روال‌هایی معمول و تکرارشونده و دارای ضرب‌آهنگ است. این تکرارشوندگی باعث می‌شود که زندگی روزمره جنبه‌ای عادت‌گونه به خود بگیرد و کارهای به‌خصوصی باشد که در زمان‌ها و مکان‌هایی مشخص تکرار می‌شوند و زندگی اجتماعی را بازتولید می‌کنند. ویژگی اول توجه ما را به دومین ویژگی، یعنی آشنا بودگی و بدیهی‌نمایی زندگی روزمره می‌اندازد. ویژگی سوم این است که جنبه‌های مختلف زندگی روزمره خود را شخصی می‌نمایند؛ اموری چون خوابیدن، غذاخوردن، صحبت‌کردن با دیگران، رفاقت، عاشق شدن و... شخصی به نظر می‌رسند؛ ولی نگاه جامعه‌شناختی می‌تواند مسائل شخصی را به مسائل عمومی تبدیل کند (سوزی، ۱۳۹۷؛ مارشال و باتلر، ۱۹۹۴).

رویکردهای جامعه‌شناختی به زندگی روزمره را می‌توان در چهار دسته صورت‌بندی کرد: ۱- رویکردهای کلان (عرصه قانونمندی‌های کلان)؛ ۲- رویکردهای خرد (عرصه قاعده‌مندی خرد)؛ ۳- رویکرد انتقادی (عرصه اعمال کنترل و سرکوب، عرصه عاملیت)؛ ۴- رویکرد پست‌مدرن (عرصه برساخت هویت‌ها).

۱-۱. رویکردهای کلان به زندگی روزمره

رویکردهای کلاسیک جامعه‌شناختی عمدتاً زندگی روزمره را فی‌نفسه بررسی نمی‌کنند؛ بلکه آن را عرصه ظهور مفاهیم کلانی مثل ساختارها، هنجارها، همبستگی و طبقات می‌دانند. به‌طور کلی می‌توان گفت که این رویکردها زندگی روزمره را پهنه قانونمندی‌های کلان اجتماعی می‌بینند و نگاه آن‌ها در پی کشف این قانونمندی‌ها است و زندگی روزمره به‌خودی‌خود مسئله‌ای برای آن‌ها محسوب نمی‌شود. طرفداران جامعه‌شناسی کلان پرداختن به جزئیات زندگی روزمره (همان‌طور که رویکردهای خرد به آن می‌پردازند) را نوعی قصه‌گویی می‌دانند. آن‌ها به‌دلیل ویژگی تکراری بودن زندگی روزمره، اساساً آن را نادیده می‌گیرند و به حاشیه می‌رانند؛ در صورتی که همین ویژگی از نظرگاه‌های مختلف معانی دیگری دارد. برای مثال رویکردهای انتقادی تکراری بودن را حاصل تحمیل قواعد سرکوبگر نظام سرمایه‌داری مصرفی می‌دانند که توانایی‌های بالقوه خلاقانه انسان‌ها

را سرکوب می‌کنند و آن‌ها را در دور باطل مصرف می‌اندازند (سوزی، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۰؛ لاجوردی، ۱۳۹۳: ۹۵).

۲-۱. رویکردهای خرد به زندگی روزمره

رویکردهای خرد عمدتاً درگیر فهم خود کنشگران از زندگی‌شان می‌شوند. آن‌ها نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی را از آن جهت که کنشگران را به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی تحت کنترل نخ‌ها (ساختارها و...) تقلیل می‌دهند؛ مورد نقد قرار می‌دهند. نظریه‌های خرد در جامعه‌شناسی برای فهم تفسیر کنشگران تلاش می‌کنند. در نگاه‌های خرد زندگی روزمره بررسی ثانویه می‌شود؛ به این معنی که از زیست‌جهان موجود فاصله گرفته می‌شود و با اصطلاحات علمی مطالعه صورت می‌گیرد. همچنین زندگی روزمره به‌عنوان خصیصه‌ای ثابت از زندگی روزمره در نظر گرفته می‌شود و هنجارهای رفتاری و زبانی به‌طور پیوسته از نسلی به نسلی دیگر منتقل و بازتولید می‌شود و این‌گونه زندگی روزمره دست‌نخورده باقی می‌ماند. رویکردهای پدیدارشناسی و کنش متقابل نمادین را می‌توان دارای نظرگاه خرد به زندگی روزمره دانست (همان: ۲۲-۲۶).

۳-۱. مطالعات انتقادی زندگی روزمره

مطالعات انتقادی زندگی روزمره بر این ایده استوار است که در دوران مدرن عرصه‌های هنر، علم و اخلاق در فرایند تخصصی‌شدن افتاده و شکافی میان این امور و زندگی روزمره ایجاد شده است. از این‌رو محققان این عرصه، ارائه‌ی روایتی از پروبلماتیزه شدن زندگی روزمره را اولین و اساسی‌ترین وظیفه خود می‌دانند. آن‌ها نه مثل رویکردهای کلان با توجه صرف به ساخت‌های کلان جامعه، کنشگران را از نظر می‌اندازند و نه همانند رویکردهای خرد به فهم خود کنشگران از زندگی‌شان بسنده می‌کنند؛ آن‌ها زندگی روزمره را عرصه تلاقی ساخت‌های کلان جامعه با معانی ذهنی کنشگران می‌دانند. پژوهشگران در مطالعات انتقادی زندگی روزمره، از توصیف زندگی روزمره فراتر می‌روند و با ارائه‌ی تصویری از زندگی مردم، آن‌ها را وادار به نگاه انتقادی نسبت به خود، دیگری، روابط و جامعه‌شان می‌کنند. آن‌ها زندگی روزمره را تاریخی می‌دانند و آن را در مقایسه با تحولات و رخداد‌های اجتماعی بررسی می‌کنند. به‌طور کلی آن‌ها به فلسفه و رویکردهای جامعه‌شناسی‌ای که زندگی روزمره را به امور پیش‌پاافتاده و بدیهی تقلیل داده‌اند و آن‌ها را صرفاً امور عادی و تکراری می‌دانند، حمله می‌کنند. این رویکرد بدیهی‌انگاری را موجب ناشناخته ماندن این عرصه می‌داند (همان).

نظریه‌های انتقادی زندگی روزمره را می‌توان به دودسته تقسیم کرد. برخی از آن‌ها نگاهی بدبینانه دارند و زندگی روزمره را عرصه سرکوب و کنترل اجتماعی می‌دانند و فرار از آن را بسیار سخت می‌دانند؛ آن‌ها برای زندگی روزمره نقشی منفعل قائل هستند. به‌عنوان مثال نظریه‌پردازانی مثل آدورنو^۱ و هورکهایمر^۲ را ذیل این سنخ می‌توان طرح کرد. این نظریه‌پردازان زندگی روزمره را عرصه اعمال قدرت نظام سرمایه‌دارانه می‌دانند که اراده افراد را تحت سلطه خود قرار می‌دهند. اما دسته دیگر نگاهی خوش‌بین‌تر دارند. آن‌ها اگرچه زندگی روزمره را عرصه اعمال قدرت می‌دانند، ولی برای زندگی روزمره نقش فعال‌تری قائل هستند. نظریه‌پردازانی مثل هانری لوفور^۳، دوسرتو و جان فیسک^۴ را می‌توان ذیل نگاه دوم قرار داد. لفور معتقد است که جامعه مدرن، هم از ویژگی‌هایی سرکوبگرانه و هم از ویژگی‌هایی رهایی‌بخش برخوردار است و با توان رهایی‌بخش کنشگران می‌توان با تحمیلات سرکوبگر مقابله کرد. میشل دوسرتو^۵ یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که زندگی روزمره را عرصه‌ای فعال می‌داند و معتقد است که زندگی روزمره هیچ‌گاه به‌صورت کامل در قبضه قدرت نیست؛ بلکه راه‌هایی ظریف برای مقاومت وجود دارد که او از آن‌ها با عنوان تاکتیک یاد می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۴، لاجوردی، ۱۳۹۳: ۳۹؛ بنت، ۱۳۸۶: ۳۵؛ لوفور، ۱۳۹۷: ۲۳۵).

۴-۱. رویکرد پست‌مدرن

در چرخش پست‌مدرن رابطه ثابت و پایداری که در گذشته میان دال و مدلول وجود داشت به هم می‌ریزد و معناها حالتی سیال به خود می‌گیرند. در این حالت با سوژه مرکز‌دوده روبه‌رو هستیم که از این پس هویت خود و روابط خود با دیگران را در ذیل ویژگی‌های کلانی همچون جنسیت، نژاد، طبقه و... درک نمی‌کند. در واقع آن‌ها در صورت پیشینی که هویت اجتماعی افراد را شکل می‌داد، حالتی سیال پیدا می‌کند. چنین چیزی بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و افراد درگیر بازی‌های هویت‌سازی می‌شوند. آمیزه‌هایی از شکل‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که افراد به‌صورت اختیاری در آن‌ها مشارکت می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت «تکثیر و تزیید گفتمان‌های غالب و در پی آن بی‌ثباتی معناها که بودریار، لیوتار و دیگران به تجزیه و چندپارگی پست‌مدرن نسبت می‌دهند، باعث می‌شود که افراد فعالانه معناهای مختص به خود را جست‌وجو کنند و معناها

1 Adorno

2 Horkheimer

3 Henri Lefebvre

4 John Fiske

5 Michel de Certeau

را در بستر زندگی‌های روزمره خود بنشانند و برای این کار عمدتاً از تصاویر، متون و کالاها به‌عنوان نمادها استفاده کنند.» (بنت، ۱۳۸۶: ۸۳).

۲. چارچوب مفهومی

در این پژوهش از نگاهی که برگر و لاکمن ذیل بر ساخت‌گرایی اجتماعی به زندگی روزمره داشته‌اند، بهره بردیم. از نظر آن‌ها زندگی روزمره خود را به‌عنوان واقعیتی نشان می‌دهد که انسان با تفسیرش، آن را از لحاظ ذهنی منسجم و پیوسته می‌یابد. به این ترتیب زندگی روزمره به‌صورت عینیت‌یافته خودنمایی می‌کند. تجربه‌ای که از وجوه مختلف زندگی روزمره برای ما حاصل می‌شود، با توجه به آن درجه از فاصله‌ای است که با آن داریم. موضوع مهم این است که زندگی روزمره به‌صورت درکی صرفاً فردی در برابر ما حاضر نمی‌شود؛ زندگی روزمره به‌صورت دنیایی که با دیگران در آن شریک هستیم و به‌صورت بین‌الذهانی برای ما جلوه می‌کند. اینجاست که می‌توان از اندوخته دانش اجتماعی یادکرد که علی‌رغم اینکه خود تحت تأثیر کنش‌های عادت‌شده و نهادینه‌شده است بر برهم‌کنش ما با دیگران در زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد (برگر و لاکمن، ۱۳۹۹).

یکی از ویژگی‌های زندگی روزمره بدیهی‌نمایی و نامعماگونگی آن است. البته باید یادآور شد که تمام وجوه زندگی روزمره به یک اندازه بدیهی‌نما نیست. زمانی که ما با وضعیت جدیدی که تا قبل از آن تصویری از آن نداشته‌ایم یا با قطع وضعیتی معمول مواجه می‌شویم، تلاش خواهیم کرد که این وضعیت نامعلوم را با وضعیت‌های روشن پیش از آن ادغام کنیم. به هر ترتیب تا وقتی که امور زندگی روزمره با خدش‌های روبه‌رو نشود، اموری بدیهی تلقی خواهند شد (همان).

زمان مفهوم دیگری است که در تأمل آن‌ها بر زندگی روزمره خودنمایی می‌کند. همه ما تجربه‌ای درونی از زمان آگاهی داریم. به‌عنوان مثال تجربه بازه زمانی مشخصی برای کسی که خود را برای کنکور آماده می‌کند و کسی که برای رقابت‌های المپیک آماده می‌شود، متفاوت است؛ ولی ساختار زمانی زندگی روزمره، برای مثال بازه یک‌ساله، همچون وجودی واقعی خود را بر ما تحمیل می‌کند. زمان را می‌توان با بحث زبان که برگر و لاکمن به آن اشاره می‌کنند، شبیه دانست. زبان همچون واقعیتی خارجی خود را تحمیل می‌کند و ما را وادار می‌کند از الگوهایش پیروی کنیم. به همین ترتیب تنها درون یک ساختار زمانی است که زندگی روزمره واقعیتش را بر ما استوار می‌کند. از طرفی زمان حال نقطه‌ای است که سوژه از آنجا می‌تواند زندگی روزمره را در دوری یا نزدیکی خود هم از نظر زمانی و هم مکانی تجربه کند. دوری ما را قادر می‌سازد تا جهان اجتماعی را به‌عنوان شکل عینی نهادها و ایدئولوژی‌های ثابت و با ثباتی که به‌نوعی از تجربه درونی جدا هستند،

تجربه کنیم. همچنین روابط، نهادها و شکل‌هایی که هنوز در آن‌ها فعالانه درگیر هستیم، به‌جای فرایندهای شکل‌گیری و شکل‌دهنده به کل‌های شکل‌یافته تبدیل می‌شود (برگر و لاکمن، ۱۳۹۹؛ سیمیچ، ۲۰۱۹).

یکی از جنبه‌های زندگی روزمره موقعیت‌های چهره‌به‌چهره است. در موقعیت‌های چهره‌به‌چهره با توجه به فاصله و شناختی که از شخص روبه‌رو داریم، دست به عمل می‌زنیم. در این روند سعی می‌کنیم که اعمال فرد روبه‌رو را تفسیر کنیم و پس از آن پاسخ مطلوب را نشان دهیم. در این فرایند ما دست به سنخ‌بندی‌هایی می‌زنیم. هرچه رابطه ما از فرد روبه‌رو دورتر و غیرصمیمی‌تر و ناآشنا‌تر باشد، سنخ‌بندی‌هایی که از آن استفاده می‌کنیم عمومی‌تر خواهد بود. برای مثال، در رابطه با کسی که شناختی از او نداریم، ممکن است از سنخ‌بندی‌های قومیتی، طبقاتی و از این دست استفاده کنیم و اعمال او را براساس این سنخ‌بندی‌ها تفسیر کنیم. این سنخ‌بندی‌ها کمک می‌کند تا تعاملات ما معماگون نباشند و تا وقتی این سنخ‌ها در موقعیت برهم‌کنشی نقض نشوند، صادق خواهند بود (برگر و لاکمن، ۱۳۹۹).

به‌طورکلی در نگاه برگر و لاکمن زندگی روزمره عرصه‌ای از تجربه‌های انسانی است که افراد پیوسته با آن‌ها مواجه می‌شوند و تفسیرشان می‌کنند. فضایی که در آن افراد معنای جهان را از طریق فرایندهای معمولی و روزمره برمی‌سازند. تجربه‌ها در چارچوب زمانی و مکانی خاص رخ می‌دهند و در دل تعاملات اجتماعی مکرر، واقعیت‌های مشترک برساخته می‌شوند. روایتی که افراد از فرایندها و تجربیاتی که زندگی‌اش کرده‌اند دارند، دسترسی مطلوبی نه‌تنها به زندگی‌های، بلکه تحلیل ارتباط بین افراد، گروه یا جامعه آن‌ها ارائه می‌دهد (سانتوس، ۲۰۰۹).

روش‌شناسی

مبانی پارادایمی و روش

این پژوهش در پارادایم برساختی تفسیری قرار دارد. در این پارادایم واقعیت در خارج فرض نمی‌شود؛ بلکه واقعیت در تعامل پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان برساخته می‌شود. همچنین پارادایم تفسیری فرض را بر این دارد که برای درک جهان باید از ماهیت بنیادی جهان در سطح تجربه ذهنی آگاه باشیم. در این پژوهش بر اسناد یا آمارهای پیرامون زندگی روزمره تکیه نداشتیم؛ بلکه تلاش شد تا دانش ذهنی مشارکت‌کنندگان درباره تحریم کاوش شود. در این پارادایم به‌دست‌آوردن عینیت و بی‌طرفی کامل ناممکن است؛ در نتیجه ارزش‌های همه مشارکت‌کنندگان بخشی از تحقیق می‌شود (گونبای و سورم، ۲۰۱۸؛ تریسی، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۰۸).

در این پژوهش روش تحلیل روایت به کار رفت. «تحلیل روایت» یا «پژوهش روایی» نوعی روش‌شناسی است که روایت افراد از تجربه، هویت و رخدادها را محور کار خود قرار می‌دهد تا از یک‌سو فهم روایی ذهن کنشگران را ممکن کند و از سوی دیگر، وضعیت نظام اجتماعی را با تحلیل کلان‌روایت‌ها تفسیر کند. روایت‌پردازی یک فعالیت معنادار است و در معنا بخشیدن به زندگی ما مهم است. تجربه از طریق روایات ساخته و معنادار می‌شود. روایت راهی برای فهم مردم از یکدیگر است. روایت راهی برای سازمان‌دهی تجربه ما از زمان است (آقابابایی، ۱۴۰۳؛ اسپارکس و اسمیت، ۲۰۰۸؛ دی فینا و گئورگاکوپولو، ۲۰۰۸).

پژوهش روایت راهی برای درک و پرس‌وجو درباره تجربه، از طریق همکاری بین محقق و مشارکت‌کنندگان در طول زمان، در یک مکان (مکان‌ها) و در تعامل با محیطشان است. پژوهش روایت در فضایی سه‌بعدی صورت می‌گیرد: زمانی، شخصی و اجتماعی، مکان. در این ابعاد، محقق در چهار جهت به سمت داخل و خارج و به عقب و جلو حرکت خواهد کرد. وقتی محقق به سمت داخل حرکت می‌کند، به سمت شرایط درونی مانند احساسات، امیدها و تمایلات اخلاقی حرکت می‌کند. وقتی محقق به سمت بیرون حرکت می‌کند، به سمت محیط می‌رود. در مرحله بعد، زمانی که محقق به جلو و عقب می‌رود، در امتداد صفحه زمانی (یعنی گذشته، حال و آینده) حرکت می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که پژوهش روایت داستان‌هایی زمانمند از تجربیات افراد در چارچوب شخصی، اجتماعی و تاریخی ایجاد می‌کند (کرپس، ۲۰۲۰).

از آنجاکه به‌دنبال این بودیم که افراد زندگی روزمره‌شان را در دوران تحریم چگونه تجربه کرده‌اند و چه تجربه‌های احساسی و در چه موقعیت‌هایی داشته‌اند؛ پژوهش روایت روش تحقیق مناسبی بود. مشارکت‌کنندگان با روایت تجربه‌هایشان ما را در صفحه زمانی جابه‌جا کردند و دوران تحریم را از نگاه خودشان بر ساخت نمودند.

تکنیک تحلیل

شیوه تحلیلی در این پژوهش تحلیل مضمونی روایت^۱ است. در این روش تمرکز اصلی بر محتوای روایت و آن چیزی است که در روایت‌ها گفته شده است. به بیانی دیگر به ساختاری که راویان برای بر ساخت روایتشان از آن استفاده می‌کنند، کمتر توجه می‌شود و پژوهشگر به‌دنبال الگویی متنی است که می‌تواند ارزش‌ها و احساسات شخصی و همچنین دنیای فرهنگی افراد را آشکار سازد. در

این تکنیک به داده‌ها به‌منظور رسیدن به مضامین مشترک و یک الگو توجه می‌شود؛ اما تمام موارد در نظر گرفته می‌شود و هیچ روایتی حذف نمی‌شود. به تعبیری دیگر، اصل در تحلیل مضمونی روایت مورد محوری است و برخلاف روش‌هایی مثل نظریه داده‌بنیاد، داده‌های معارض برای رسیدن به یک نظریه حذف نمی‌شوند. نکته‌ای کلیدی که تحلیل مضمونی روایت را از سایر روش‌های تحلیل محتوا (از جمله تحلیل مضمون) جدا می‌کند این است که توالی مورد تأکید قرار می‌گیرد و مضمون‌ها در زمینه داستانی که آغاز، میانه و پایان دارد، طرح می‌شوند. همچنین به زمان و مکان روایت‌ها توجه می‌شود تا تبیین‌های کلی کنار زده شود و به بافتمندسازی کمک کند. در اینجا مضمون‌های اصلی را درون آن سیر روایی که ظهور یافته‌اند، دنبال خواهیم کرد. ریسمن برای توضیح این روش چهار مثال را از کار دیگر پژوهشگران می‌آورد و پیشنهاد می‌کند که این نوع تحلیل روایت از آن جهت که بسیار شهودی است؛ بهترین روش برای محققان تازه‌کار است (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۸؛ ریسمن، ۲۰۰۸؛ اویک و سیلیبی، ۲۰۰۳).

تکنیک گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از روش مصاحبه اپیزودیک^۱ استفاده شد. هدف از این نوع مصاحبه تحلیل دانش روزمره مصاحبه‌شونده درباره یک موضوع یا حوزه خاص است؛ از این رو بهترین روش گردآوری اطلاعات برای این پژوهش که حول موضوع تحریم می‌چرخد، این نوع مصاحبه است. اووه فلیک^۲ این مصاحبه را در نه مرحله ترسیم می‌کند: ۱- آماده‌سازی دستورالعمل مصاحبه؛ ۲- معرفی قاعده مصاحبه به مشارکت‌کننده؛ ۳- پرسش از فهم مصاحبه‌شونده از موضوع و تاریخ زندگی وی در رابطه با آن؛ ۴- پرسش از معنای موضوع برای زندگی روزمره مصاحبه‌شونده؛ ۵- پرسش با تمرکز بر بخش‌های مرکزی موضوع مورد مطالعه؛ ۶- پرسش از موضوعات مرتبط کلی‌تر؛ ۷- ارزیابی پاسخ‌ها و صحبت‌های کوتاه؛ ۸- مستندسازی اطلاعات زمینه‌ای و حاشیه‌ای؛ ۹- تحلیل مصاحبه (فلیک، ۲۰۰۰).

1 episodic interview

2 Uwe Flick

میدان پژوهش و مشارکت‌کنندگان

میدان این پژوهش شهر اصفهان است. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند و از نوع همگن استفاده شده است. هدف از این نمونه‌گیری تشریح عمیق نمونه‌ای است که خصوصیت ویژه‌ای را به‌طور مشابه نشان می‌دهند. در هر پژوهشی نیاز است که تاحدامکان دایره جامعه مورد مطالعه پژوهش، محدودتر و مشخص‌تر شود. نمونه‌گیری همگن این فرصت را می‌داد که توصیف فربهی نسبت به مردان جوان ۲۰ تا ۳۵ سال دارای تحصیلات دانشگاهی حاصل شود. در همین راستا با ۱۶ نفر از افرادی که در این ویژگی‌ها همگن بودند، مصاحبه شد. در جدول زیر اطلاعات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان قابل مشاهده است (محمدپور، ۱۳۹۸).

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

شماره	اسم مستعار	سن	وضعیت تأهل	شغل	تحصیلات
۱	ارسلان	۲۷	مجرد	روان‌درمانگر	فوق لیسانس
۲	میلا	۲۶	مجرد	معلم پاره‌وقت	دانشجوی ارشد
۳	محمد	۲۵	مجرد	بیکار	دانشجوی ارشد
۴	امیر	۲۶	مجرد	سرپرست فروش	ارشد مدیریت بازرگانی
۵	رضا	۲۶	مجرد	دستیار مدیرعامل	دانشجوی دکتری
۶	نوید	۳۵	متاهل	تدریس	درس خارج حوزه و دانشجوی ارشد
۷	محسن	۲۶	مجرد	دانشجو	کارشناسی ارشد
۸	امید	۲۶	مجرد	سرباز	دکتری پزشکی
۹	حمید	۲۱	مجرد	کتابدار	لیسانس
۱۰	معین	۲۱	مجرد	بیکار	دانشجوی لیسانس
۱۱	آرمان	۲۶	مجرد	سرباز	فوق لیسانس بیوتکنولوژی
۱۲	میثم	۲۷	مجرد	کارمند	ارشد مهندسی مکانیک
۱۳	فرزاد	۲۴	مجرد	دانشجو	کارشناسی برق
۱۴	حسین	۲۹	مجرد	پژوهشگر	ارشد علوم سیاسی
۱۵	سعید	۲۷	مجرد	دانشجو و کارگر	دانشجوی ارشد
۱۶	علی	۳۰	مجرد	مدرس زبان	فوق لیسانس

مشروعیت بخشی

سارا تریسی در کتابش معیاری هشت گانه را برای مشروعیت بخشی به تحقیقات کیفی معرفی می کند تا از آن برای سنجش کیفیت پژوهش کیفی استفاده شود. این معیار هشت گانه شامل موضوع بارز، دقت زیاد، خلوص و صداقت، قابلیت اعتبار، هم نوایی، سهم پژوهشی معنادار، اخلاق و انسجام معنادار است. این پژوهش با نگاهی جدید به موضوع تحریم های اقتصادی علیه ایران پرداخته است. تحقیقات پیشین با نگاهی حقوقی یا اقتصادی این پدیده را بررسی کرده بودند؛ اما پژوهش حاضر با نگاهی جامعه شناختی تحریم را از منظر کنشگران مورد مطالعه قرار داده است. از این جهت می توان گفت که این پژوهش موضوع با ارزشی دارد. پژوهشگران سعی داشته اند که تمام ملاحظات فنی را در حین جمع آوری و تحلیل داده ها لحاظ کنند. به این سبب به ظن خود احساس می کنیم که معیار دقت زیاد نیز تا حد خوبی برقرار است. در این پژوهش از زیاده گویی درباره خود یا نظراتمان پرهیز کرده ایم. همچنین در نقل روایت ها نهایت امانت داری را رعایت کرده ایم. در این راستا صداقت و خلوص را رعایت کرده ایم. در تحلیل روایت ها، مورد محوری را حفظ کرده و تمام روایت ها را در نظر داشته ایم. بنابراین می توانیم ادعا کنیم که معیار قابلیت اعتبار تا حد بالایی برقرار است. در برخی مواقع سعی کرده ایم تا از سبک متفاوتی از روایت بهره ببریم تا از یکنواختی متن های پژوهشی بکاهیم؛ از این جهت احساس می کنیم که مخاطبان بتوانند با یافته ها ارتباط برقرار کنند. البته قضاوت نهایی را در این مورد باید برعهده خوانندگان گذاشت. در این پژوهش سعی کردیم که با نگاهی جدید به پدیده تحریم پردازیم و آن را از زاویه دید کنشگران مورد پژوهش قرار دهیم؛ از این جهت پژوهش سهم اکتشافی معناداری دارد. در انتخاب مشارکت کنندگان سعی شده است که آن ها رضایت کامل و آگاهانه ای داشته باشند و در صورت اندک تردیدی از مصاحبه با آن ها اجتناب شده است؛ از این رو این پژوهش معیارهای اخلاق را لحاظ کرده است. انسجام مناسبی بین عنوان، اهداف و یافته ها وجود دارد و سعی شده است تا خودمراقبتی خاصی نسبت به خارج نشدن از پارادایم تحقیق داشته باشیم و پیوند خود را با هستی شناسی پارادایم تفسیری در طول پژوهش حفظ کنیم. به این دلیل، معیار انسجام معنادار را برآورده کرده ایم (تریسی، ۱۳۹۴).

یافته های پژوهش

در این پژوهش دو مضمون اصلی «اسارت عاملیت» و «روزمرگی درگیر» پیرامون زندگی روزمره در دوران تحریم حاصل شد که در ادامه به آن ها می پردازیم. مضمون «اسارت عاملیت» از تلاقی

خرده‌داستان‌های چالش اشتغال و وابستگی مالی، تصور آینده، یادآوری برجام و سیاست خارجی و تحمل بیماری که در روایت‌های مشارکت‌کنندگان ظاهر شد، پدید آمد. همچنین خرده‌داستان‌های مصرف، حمل‌ونقل، فضای مجازی، تحصیل، معاشرت، گذران روزمره و دورزنی در روایت‌های مشارکت‌کنندگان به چشم آمد و باعث ظهور مضمون «روزمرگی درگیر» شد.

۱. اسارت عاملیت

وقتی مشارکت‌کنندگان خود را تحت سیطره عواملی می‌یابند که تحت کنترل آن‌ها نیست، عاملیت خود را از دست‌رفته می‌بینند؛ اینجاست که اسارت عاملیت خود را نشان می‌دهد. اسارت عاملیت درون سیری روایی ظهور می‌یابد که از وضعیت گذشته‌ای بهتر آغاز می‌شود و به وضعیت ناچاری و ناکامی اکنون می‌رسد که افراد عاملیت و توانشان را سلب‌شده می‌بینند. آن‌ها امکان ساخت آینده را ندارند و چاره‌ای جز انتظار کشیدن برای خود نمی‌بینند. چه آنان که نسبت به آینده امیدوارند و چه آنان که ناامید، سهمی برای خود در ساختن آن قائل نیستند. مضمون «اسارت عاملیت» از درهم‌آمیزی مضامین «عاملیت از دست‌رفته»، «عاملیت محدود»، «وساطت عاملیت» و «چالش ارتباطی» زاییده شده است. اسارت عاملیت تقریباً خود را در همه روایت‌ها نشان داد. شخصیت‌های اصلی روایت‌ها خود را در برابر چالش‌هایی می‌دیدند که تقریباً راهی برای آن‌ها باقی نمی‌گذاشت. فضایی که بر زندگی این افراد حاکم بود ثابت باقی می‌ماند و گریزی از آن نبود. البته این به آن معنا نیست که آن‌ها به‌طور کامل دست‌بسته باشند و مثل یک زندانی گرفتار درون سیاه‌چالی بدون هیچ‌گونه عاملیت به سر ببرند. قطعاً آن‌ها در زندگی روزمره‌شان کارهایشان را از روی قصد و اراده انجام می‌دهند. اما همان‌طور که ارسلان ۲۷ساله که درمانگر است، می‌گوید: «اون چیزی که آدمارو سرپا نگه می‌داره، وضعیتشون نیست، بلکه جهتی که اون وضعیت داره می‌ره.» جهت زندگی است که اهمیت دارد. جهت زندگی در این دوران بسیار جبرآمیز و علیه اختیار است؛ این موضوع در مضمون روایی «عاملیت از دست‌رفته» منعکس شد. همچنین تحریم دورانی را رقم زده است که موضوع ارتباط که یکی از راه‌های بروز عاملیت است با چالش مواجه شده است و اگر نگوئیم ارتباط در این دوران رو به قطعی حرکت می‌کند، حداقل باید بگوئیم که ارتباط مستقیم در عرصه‌های زیادی مختل شده است و این روال برساننده مضمون «چالش ارتباطی» بوده است. در چنین وضعیتی که راه‌های مستقیم یکی پس از دیگری مسدود می‌شوند و زندگی روزمره را از لحاظ ارتباطی با چالش مواجه می‌کنند، راه‌های غیرمستقیمی ظهور می‌یابند تا عاملیت‌های تهدیدشده در روال‌های روزمره را وساطت کنند. از این جهت مضمون بعدی «وساطت عاملیت» بود

که خود را به ما نشان داد. این موضوع به طوری فراگیر است که می توان آن را ویژگی این دوران دانست. مواردی نیز در روایتها دیده شد که نقطه عطفی بود که افراد با استفاده از آنها سعی داشتند که جهت زندگی خود را عوض کنند. اگرچه چنین چیزی کار بسیار سختی به نظر می آید و در حد روزنه ای بیش نیست، ولی در برخی روایتها تکرار شد که در مضمون «عاملیت محدود» بازتاب داده شد.

مشارکت کنندگان در زندگی روزمره با موانعی در رسیدن به مقاصدشان مواجه می شوند. خود-تحریمی های حاکمیت، مثل فیلترینگ مجازی، دست به دست تحریم داده است و وضعیت محرومیت را تشدید کرده است. در این دوران جامعه همیشه ملتهب است و فضای عمل از افراد گرفته می شود. برخی از مشارکت کنندگان خود را در وضعیت استیصال مضاعف می دانند؛ چراکه صدای آنها به جایی نمی رسد. آنها نماینده و صدایی که بازتاب افکارشان در سیاست باشد، نمی یابند و تعامل قدرت با خودشان را یک طرفه می بینند. در این وضعیت است که خود را از لحاظ سیاسی ناتوان می بینند. آنها در شرایطی کاملاً تحت سیطره قرار گرفته اند و عاملیت آنها از دست رفته است. دوران تحریم افراد را در تنگنایی قرار داده است که امکان استقلال مالی را از آنها گرفته است. به این ترتیب مشارکت کنندگان امکان استقلال را از خودشان سلب شده می بینند. افراد دچار ستیز ذهنی هستند. آنها در ذهنشان نسبت به کاری که می کنند، دچار تردید می شوند، برای آینده ای بهتر چاره جویی می کنند و در همان ذهنشان نسبت به آینده ناامید می شوند. محمد ۲۵ ساله که خود را بیکار معرفی می کند، چنین می گوید:

«اختلاف قیمت دلار و ریال شاید اگر تحریمها نبودند، به این شدت نمی رسید. در آن صورت بازار هم آزادتر بود و تو راحت تر می تونستی کار کنی و خرج روزانهات را تأمین کنی و در عین حال درست رو هم بخونی و به کارهای آکادمیک بپردازی. یک فرد ۲۴ یا ۲۵ ساله باید بتونه خونه ای اجاره کنه و مستقل زندگی کنه. روال جهانی هم همینه؛ افراد بالای ۱۸ یا ۱۹ سال معمولاً خونه ای می گیرند و زندگی شونا مستقل اداره می کنند، کارشونا می کنند و به تحصیل ادامه می دهند. اما برا من این امکان پذیر نیست، واقعاً نیست. این طور هم نبوده که تلاش نکرده باشم؛ خیلی کار کردم، ولی وقتی نمی شه، باید چی کار کرد؟»

تلاشها، علایق و زمانها تلف می شوند. تلاشها به نتیجه ای که باید نمی رسند. علایق در دوئل با فشارهای اقتصادی قرار می گیرند و در مواقعی جان سالم به در می برند و بعضی مواقع نیز از علایق و دغدغهها برای فراهم کردن حداقلهای اقتصادی چشم پوشیده می شود. زمان به سادگی در

اختیار افراد نیست. کارها در این دوران پیچ‌وتاب پیدا کرده‌اند و برداشتن و دورزدن محدودیت‌ها زمان بیشتری را از آن‌ها می‌گیرد.

در نظر مشارکت‌کنندگان ماهیت تحریم قطع ارتباط است. چنین موضوعی در زندگی روزمره مشارکت‌کنندگان خودش را نشان داده است. افراد در دسترسی مجازی با ممانعت‌هایی مواجه می‌شوند و به برخی از خدمات بین‌المللی در بستر اینترنت دسترسی ندارند. همچنین ارتباط جغرافیایی نیز با مخاطراتی همراه بوده است و موانعی را در اخذ ویزای بعضی از کشورها به وجود آورده است. افراد در این چالش‌های ارتباطی نوعی انزوا را تجربه کرده‌اند و احساسی از طردشدگی داشته‌اند. امیر ۲۶ ساله که به‌عنوان سرپرست فروش یک شرکت فعالیت می‌کند، این موضوع را چنین تصویر می‌کند: «بحث طردشدگی؛ اینکه برای انجام دادن یه کاری که تو کل دنیا عادی، باید هزار جور دردسر و پیچ‌وخم رو دور بزنی. کلی دروغ سر هم کنی؛ مثلاً بگی من الان تو آمریکا زندگی می‌کنم، فلان ایالت، فلان شهر، فلان خیابون. حالا اگه یه موقع اونا تو فیلترشکن ردی از ایران پیدا کنن، حساب تو می‌بندن و دیگه رسماً به‌عنوان یه دزد می‌گیرن».

دور بزنی، مسیر مسدود است؛ این وضعیت زندگی روزمره در دوران تحریم است. راه‌های رسمی و مستقیم خدمات جهانی تحت تأثیر تحریم، مسدود شده است؛ در چنین شرایطی بازار واسطه‌گری رونق گرفته است. انواع شرکت‌هایی پدیدآمده‌اند که با وساطت و به نیابت از افراد، خدمات موردنظر -مثل انتقال پول به خارج از کشور یا خرید از فروشگاه‌های اینترنتی خارجی- را برای افراد فراهم می‌کنند و هزینه‌هایی در قبال این کار دریافت می‌کنند. در شرایطی که راه‌های مستقیم مسدود است؛ فضایی از عدم شفافیت برای افراد به وجود آمده است.

مشارکت‌کنندگان موقعیت‌هایی را پیش کشیدند که با تمرکز اراده‌شان به آن سمت می‌خواهند عاملیتشان را از بند برهانند. مهاجرت یکی از آن اهدافی است که برخی از مشارکت‌کنندگان به‌عنوان راهی برای تغییر وضعیتشان معرفی کردند. سعید ۲۷ ساله که خود را دانشجوی و کارگر معرفی کرده است، چنین می‌گوید: «گه تو یه کشور غیرتحریمی بودی، هیچ کدوم از این کارها رو لازم نبود انجام بدی. خب وقتی این جور باشی، آدم ناامید می‌شه، انگیزه‌اش رو از دست می‌ده یا انرژی‌اش صرف چیزای دیگه می‌شه، مثلاً مهاجرت. می‌خوای خودت رو برسونی به جایی که حداقل حقوق اولیه‌ات رو داشته باشی. به‌جای اینکه انرژی‌ت رو روی شروع کاری که می‌خوای انجام بدی بذاری، مجبور می‌شی همه‌ش رو صرف مهاجرت کنی.» همچنین برخی از مشارکت‌کنندگان، پیش‌گرفتن رویه‌ای فردی را به‌عنوان یک چاره در نظر گرفتند. آن‌ها نسبت به آینده جمعی و

نسبت به سیاست بی تفاوت هستند. آن‌ها عزم خود را برای رقم‌زدن آینده‌ای فردی به کار می‌گیرند. برخی نیز نوع دیگری از زندگی را مطرح کردند. خوشباشی و زندگی خیام‌گون رویه‌ای که در زمانی که دیگر پس‌انداز بی‌معناست و آینده خود را مبهم و غیرقابل پیش‌بینی می‌نمایند، ظهور یافته است. افراد سعی می‌کنند تا نهایت لذت ممکن را از وضعیت فعلی داشته باشند و نسبت به آینده بی‌توجه باشند. به این ترتیب وقتی عاملیت در اسارت به سر می‌برد، این تدابیر امید را برای خلاصی از بند اسارت زنده نگه می‌دارد.

۲. روزمرگی درگیر

زندگی روزمره روال‌های معمولی دارد که بارها تکرار می‌شود. روایت مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که دورانی که مشخصه اصلی آن تحریم است و به‌عنوان دوران تحریم برچسب‌گذاری می‌شود؛ بر روال‌های روزمره آن‌ها تأثیرگذار بوده است. با توجه به روایت‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان دید که این دوران هم از نظر شکلی و هم محتوایی بر بخش‌های مختلف تأثیر گذاشته است. آن سیر روایی که این مضمون در دل آن قرار دارد، روایتگر روزمرگی‌هایی است که در گذشته با پیچ‌وخم کمتری دنبال می‌شد؛ ولی هرچه به حال نزدیک می‌شود روال روزمره به شدت درگیر شده است و کلافگی را در روایت مشارکت‌کنندگان بازتاب داده است. مضمون‌های «مصرف محدودشده» و «فضای مسدود مجازی» و «افول فراغت» و «تجربه پیچیده تحصیلی» و «اخلال در معاشرت» از مضمون‌هایی هستند که ذیل روزمرگی درگیر هستند. این مضامین روایت مشارکت‌کنندگان را از تأثیر دوران تحریم بر زندگی روزمره‌شان درون خود جا می‌دهند. «ترفندهای مقاومت در زندگی روزمره» مضمون دیگری است که در کنار آن‌ها وجود دارد. این مضمون خلاقیت‌ها، ترفندها و کارهایی را که مشارکت‌کنندگان برای کاهش تأثیرات دوران تحریم بر زندگی روزمره‌شان داشته‌اند، بازتاب می‌دهد. در ادامه این مضمون‌ها به تفصیل بررسی شده است.

۱-۲. روال‌های روزمره درگیر تحریم

زندگی روزمره در بخش‌های مختلفش درگیر تحریم و مسائل مرتبط با آن شده است. تأثیرپذیری زندگی روزمره را در تجربه‌هایی که مشارکت‌کنندگان از تجربه معاشرت، تجربه تحصیلی، اوقات فراغت، فضای مجازی و تجربه مصرف روایت کردند، می‌توان دید. مشارکت‌کنندگان از روال‌های روزمره‌ای که در گذشته وجود داشت، روایت می‌کنند که بعضاً در دوران جدید قابل تکرار نیستند و تغییر شکل داده‌اند یا با اختلال مواجه شده‌اند.

معاشرت‌های خانوادگی و دوستانه در دوران تحریم دستخوش تغییراتی شده است. نوید ۳۵ ساله در کسوت روحانیت است و به تدریس مشغول است. او چنین می‌گوید: «نو فامیل خودمون یه جلسه هفتگی ثابت داشتیم که شاید حدود دویست نفر جمع می‌شدن. الان سال‌هاست که برگزار نشده. به نظرم مسائل مالی هم بی‌تأثیر نبوده؛ چون حداقلش صاحبخونه باید یه کوکو یا پلو عدس می‌داد، ولی واقعاً دیگه نمی‌تونه. یه بار از پدر خانمم پرسیدم که اگه بخوایم دوباره اون جلسه فامیلی رو بگیریم، چقدر هزینه داره. ایشون گفت حداقل چهار میلیون (سال ۱۴۰۲). خب، تو اون جمعی که من می‌شناسم، هیچ‌کس نمی‌تونه همچین هزینه‌ای بکنه.» کاهش رفت‌وآمدهای فامیلی، دنگی شدن اقتصاد تعاملات و محدود کردن دایره تعاملات دوستانه از تغییرات فرمی تعاملات است. دوران تحریم و مسائل مرتبط با آن محتوای تعاملات را گاهی سیاست‌زده کرده است. بحث‌های سیاسی حداقل در مقاطعی بسیار پررنگ بوده است. برخی از مشارکت‌کنندگان از همسویی دیدگاه‌ها، بی‌تفاوتی و بی‌رونقی بحث‌های سیاسی در حال حاضر جمع‌های خانوادگی‌شان گفتند. دوران تحریم تجربه تحصیلی افراد را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. محدودیت‌های تحریم گاهی مواعی را در پروژه‌های دانشگاهی به وجود آورده است. شرایط سخت اقتصادی بعضاً دسترسی به تجهیزات و خدمات آموزشی را با محدودیت مواجه کرده است. افراد همچنین در مواجهه با انتخاب مسیر تحصیلی‌شان به آینده شغلی و فایده‌مند بودن آن توجه مضاعفی می‌کنند؛ به تعبیری جنبه کارکردی دانش پررنگ شده است. فضای کلاس‌ها نیز گاهی صمیمیت خود را از دست داده است و به محلی برای نزاع و انتقام‌جویی سیاسی تبدیل شده است.

فضای مجازی بیشترین اختلال را در دوران تحریم تجربه کرده است. افراد مدام با این عبارت روبه‌رو می‌شوند: «در کشور شما قابل دسترس نیست». علاوه بر آن خود-تحریمی‌های حاکمیت نیز اتفاق مشابهی را برای افراد پیش آورده است و مانع دسترسی به برخی از شبکه‌های اجتماعی شده است. مشارکت‌کنندگان محتوای فضای مجازی را نیز تحت‌تأثیر این دوران، ناامیدانه و گاهی سیاست‌زده می‌دانند.

مشارکت‌کنندگان همچنین در زندگی روزمره‌شان محدودیت‌های تفریحی و عدم دسترسی به برخی از تفریح‌ها را، به دلایل اقتصادی یا موانع ارتباط مجازی، تجربه کرده‌اند. اوقات فراغت به دلیل درگیری‌های اقتصادی برای برخی در حال محوشدن است. سفرها کاهش یافته است و امکان سفر خارجی نیز برای برخی به‌طور کلی از بین رفته است. در چنین شرایطی افراد به سمت ایده‌های تفریحی در دسترس ارزان، مثل سفرهای درون‌استانی، حرکت کرده‌اند.

قیمت‌ها و هزینه‌ها در این دوران تبدیل به مسئله شده است. افراد حسابگری می‌کنند و برای مخارجشان برنامه می‌ریزند. صرفه‌جویی و کاهش مصرف نیز به‌طور گسترده مشاهده می‌شود. کیفیت زندگی کاهش یافته است. افراد درآمد بیشتری را کسب می‌کنند؛ اما در فراهم کردن کیفیت زندگی سابقشان نیز گاهی به مشکل می‌خورند. آنچه در بازار به چشم می‌خورد، اغلب ایرانی است و برندهای معروف دنیا امکان حضور به‌طور مستقیم را ندارند و از راه‌های غیرمستقیم مثل قاچاق وارد می‌شوند. قاچاق پدیده‌های ابهام اصالت و ابهام سلامت را به وجود آورده است. افراد در مواجهه با برندهای خارجی همیشه در این تردید هستند که آیا این کالا، برند اصلی یا تقلبی و طرح آن است. همچنین در برخی موارد مثل حوزه دارو ابهام سلامت وجود دارد و در سلامت یا فاسد بودن آن‌ها تردید پیدا می‌شود.

دوران تحریم را می‌توان دوران فرسودگی‌ها نیز دانست. ماشین خراب، تجهیزات خراب، هواپیمای فرسوده، نرم‌افزار به‌روزرسانی‌نشده و... در روایت‌های مشارکت‌کنندگان تکرار شده است. نوید می‌گوید: «ماشین واقعاً به مسئله جدی شده، خرجش هم واقعاً رو مخه. هر روز آدم و آدمای دور و برم با این مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنن. مثلاً همین جا که کار می‌کنیم، سه نفر هستیم و هر سه تا مون تقریباً هفته‌ای یکی دو تا از برنامه‌هامون یا لغو می‌شه یا عوض می‌شه به خاطر مشکل ماشین. من خودم به سفر مشهد رو لغو کردم، اون یکی می‌خواست از اصفهان بره قم، ولی ماشینش تو شاهین‌شهر خراب شد و برگشت. به‌طور جدی با مشکل ماشین درگیریم و خیلیا هم همین وضعیت رو دارن.» این مسائل یا مستقیماً با مانع تحریم روبه‌رو می‌شوند، مثل نرم‌افزاری که تحریم امکان به‌روزرسانی‌اش را نمی‌دهد، قطعاتی که امکان وارد کردنشان به کشور نیست، یا غیرمستقیم با مشکلات اقتصادی و کاهش بودجه کشور در ارتباط است. به هر ترتیب با انبوهی از موقعیت‌های فرسوده‌ای روبه‌رو هستیم که امکان بازسازی آن فراهم نیست.

۲-۲. تاکتیک‌ها در زندگی روزمره دوران تحریم

این مضمون را می‌توان درون خرده‌پیرنگی دید که وضعیت جبرآمیزی که بر زندگی افراد تحمیل شده بود آن‌ها را به‌ناچار و گهگاه مبتکرانه به سمت خلق ترفندهایی سوق داده است. مشارکت‌کنندگان با چالش ارتباطی مواجه شده‌اند. آن‌ها در روال زندگی روزمره از راه‌های غیرمستقیم، وساطت شرکت‌ها یا شخص ثالث از خدمات استفاده می‌کنند. از این‌رو جست‌وجو برای راه‌های غیرمستقیم

و جایگزین از تاکتیک‌هایی است که مشارکت‌کنندگان در زندگی روزمره به کار می‌گیرند. با این کار افراد خود را در وضعیت تحمیلی محدودیت قرار نمی‌دهند و آن را دور می‌زنند.

یکی دیگر از تاکتیک‌های مشارکت‌کنندگان جهت‌گیری به سمت مهاجرت است. آن‌ها خود را به‌صورتی با شرایط تحمیلی بر زندگی روزمره انطباق می‌دهند تا در آینده شرایطی برای مهاجرت پیدا کنند. برای مثال زمانی که نوسانی در نرخ دلار پیش می‌آید، افراد سعی می‌کنند که دلار برای مهاجرت خود تهیه کنند. آن‌ها تلاش‌های خود را در راستای این می‌بینند که خود را به جایی برسانند که از حقوق اولیه برخوردار باشند. سعید می‌گوید:

«... نهایتاً تو از این موضوع خوشحال می‌شی که آره، اگه قیمت یورو و دلار بیاد پایین‌تر، می‌تونم راحت‌تر برای مهاجرت یورو و دلار بخرم. وگرنه، به نظرم امیدوی به این قضیه نیست. همه چیز معطوف به همون فاصله گرفتن از اینجا و این وضعیتی که داریم می‌شه. فقط می‌خوای به جایی برسی که دیگه این مشکلات رو نداشته باشی و زندگی راحت‌تر بشه. هر چیزی مثل برجام یا هر توافق دیگه‌ای در نهایت تو رو خوشحال می‌کنه چون می‌گی اوکی، قیمت دلار اومده پایین و حالا می‌تونم بیشتر دلار بخرم یا حداقل به اندازه‌ای که برای مهاجرت نیاز دارم.»

مشارکت‌کنندگان در انطباق خود با شرایط غالب سعی می‌کنند تا رویه فردی شده‌ای را پیش بگیرند. این تاکتیکی است که فرد نسبت به آینده جمعی و سیاست بی‌تفاوت می‌شود و سعی می‌کند تا بر رویه‌ای شخصی تأکید کند. برای مثال مشارکت‌کنندگان بیان می‌کردند که از زمانی که بعد نسبت به برجام، تحریم و سیاست‌های خارجی‌ای که در پیش گرفته می‌شود، بی‌تفاوت شده‌اند و سعی می‌کنند تا آن را دنبال نکنند و روی کار شخصی خود تمرکز کنند.

از تاکتیک‌های دیگر در زندگی روزمره در این دوران خوشباشی است. در وضعیتی که تورم می‌تازد و ارزش پول نقد را کاهش می‌دهد، پس‌انداز بی‌معنا شده است. افراد سعی می‌کنند که در لحظه زندگی کنند. برای مثال مشارکت‌کنندگان از صرف هزینه بیشتری در کافه‌رستوران‌ها نسبت به گذشته می‌گویند و چنین کاری را با توجه به کاهش دائمی ارزش پول منطقی می‌دانند. علاوه بر خوشباشی برخی دیگر سعی می‌کنند که تاکتیک دیگری را به کار گیرند و سرمایه نقدی‌شان را تبدیل به طلا، دلار، مسکن یا سهام کنند. به‌صورت کلی افراد از انباشت پول نقد فرار می‌کنند و به این صورت تاکتیک‌هایی را در جهت مقاومت شکل می‌دهند.

مشارکت‌کنندگان در تجربه معاشرتشان در زندگی روزمره تاکتیک‌هایی را به کار می‌گیرند. آن‌ها در مواردی تعاملات خود را کاهش داده‌اند و مهمانی‌ها در برخی موارد کاهش یافته است.

علاوه بر این، برخی مشارکت‌کنندگان از انتخابگری در تعامل حرف زدند؛ در جایی که افراد سعی می‌کنند دایره معاشرت خود را محدود کنند و همچنین تعاملاتشان را با افراد همگنی ادامه دهند که از نظر اقتصادی شبیه آن‌ها هستند. مشارکت‌کنندگان با این کار می‌توانند از پس مخارج اقتصادی تعاملات تا حد زیادی برآیند. تاکتیک دیگری که از خلال مصاحبه‌ها در رابطه با تجربه معاشرت به دست می‌آید، دنگی شدن اقتصاد تعاملات است. این موضوع را در روایت آرمان ۲۶ ساله که سرباز است می‌توان دنبال کرد، او یادآور می‌شود که در گذشته یک خانواده دیگران را دعوت می‌کرد و پذیرایی مفصلی را تدارک می‌دید؛ اما در حال حاضر هر خانواده وعده غذایی خود را می‌آورد یا مخارج بین افراد تقسیم می‌شود.

از تاکتیک‌های دیگری که در تفریح در زندگی روزمره به کار می‌رود، دست‌وپا کردن ایده‌های ارزان تفریحی است. مشارکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند که در وضعیت موجود، تلاش می‌کنند تا مقاصد تفریحی نزدیک شناسایی کنند. همچنین چیزهای کوچکی مثل تماشای فیلم تبدیل به یک تفریح جدی شده است. علاوه بر این‌ها شبیه‌سازی موارد تفریحی خارج از خانه مثل غذاهای کافه‌رستورانی در داخل خانه تبدیل به تفریحی شده است که در عین صرفه اقتصادی، تجربه جدیدی را رقم می‌زند.

در حوزه مصرف نیز تاکتیک‌هایی قابل مشاهده است. در درجه اول افراد مصرف خود را کاهش داده‌اند. برخی از مشارکت‌کنندگان سعی می‌کنند تا با حذف واسطه‌ها، اجناس موردنیازشان را از جایی نزدیک به تولیدکننده در زنجیره فروش خرید کنند تا بهای کمتری را برای آن بپردازند. همچنین برخی از ادغام موارد مصرفی صحبت کردند. در جایی که تا قبل از آن برای موقعیت‌های جداگانه کالاهای متفاوتی مصرف می‌شد، ادغام مصرف رخ داده است. برای مثال در صورتی که در گذشته برای ورزش‌های مختلف و روند معمول روزمره کفش‌های متفاوتی تهیه می‌شد، در حال حاضر یک کفش در تمام این موارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین افراد برای هزینه‌های خود در شرایط فعلی برنامه‌ریزی می‌کنند. برنامه‌ریزی و مسئله شدن هزینه‌ها را می‌توان از تاکتیک‌هایی دانست که در این شرایط به کار می‌رود و در مواردی موجب کاهش مصرف یا جست‌وجوی زمان یا فرصت خاص برای خرید می‌شود. افراد سعی می‌کنند که برای خرید یک کالا زمان زیادی را صرف تحقیق برای بهینه‌ترین خرید کنند. در مواردی که افراد با نایابی کالایی خاص به دلیل شرایط تحریمی روبه‌رو می‌شوند، سعی می‌کنند که به بازار غیررسمی و شبکه قاچاق نزدیک شوند که می‌توان این مورد را نیز یک تاکتیک در نظر گرفت.

برخی از مشارکت‌کنندگان از تغییر نگاه می‌گویند که می‌توان آن را یک تاکتیک در نظر گرفت. آن‌ها با مواجهه‌ای متفاوت تحریم را فرصت‌ساز می‌بینند، مقاومت در چنین شرایطی را بارزش می‌بینند و این‌گونه، توانی برای ادامه زندگی با‌انگیزه در این دوران می‌یابند. در تاکتیک دیگری برخی در این دوران در کمین فرصت‌ها می‌نشینند و از فرصت‌هایی که پیش می‌آید، مثل رشد بورس یا سرمایه‌گذاری وام دریافتی و جلو افتادن از سود وام نهایت استفاده را می‌کنند.

یکی دیگر از تاکتیک‌ها دوساحتی شدن زندگی است. افراد دست به دوساحتی کردن زندگی خود، ساحت «خودمان» و ساحت «مهمان» زده‌اند. نوع مصرف در این دو ساحت متفاوت است. در ساحت مهمان کیفیت مصرف بهتر و مصرف دست‌ودل‌بازانه‌تر است و جنبه نمایشی آن نیز پررنگ‌تر است. برای مثال افراد لباس‌هایشان را در این دو ساحت تقسیم می‌کنند. یا برخی از مواد غذایی را صرفاً برای ساحت مهمان در نظر می‌گیرند. فرزند ۲۴ ساله که دانشجوی است، می‌گوید: «ببین، مثلاً مامان من وقتی بابام گوشت و مرغ می‌خره، بعد که می‌ره پاکشون کنه و بسته‌بندی کنه، دو تا برچسب داره. یکی برچسب خودمونه، یکی هم برچسب مهمونه. اون چیزای خوب و باکیفیت رو می‌ذاره برای مهمونا.»

افراد همچنین در دنیای مجازی نیز سعی می‌کنند فضا را دستخوش تغییر کنند. آن‌ها در زندگی روزمره‌شان با تغییر آی پی و استفاده از شماره مجازی دست به تغییر تابعیت مجازی می‌زنند و این‌گونه از خدمات موردنظرشان استفاده می‌کنند. «دورزدن» اصطلاحی است که در دوران تحریم زیاد به کار می‌رود. به‌طور کلی می‌توان آن را یادآور کارهای زیادی دانست که افراد در بیشتر موارد به‌طور ناخودآگاه به کار می‌گیرند تا نسبت به وضعیت جبرآمیز تحمیلی تحریم مقاومت کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در سایه تحریم‌های فلج‌کننده وضعیت اجتماعی ویژه‌ای برای زندگی روزمره جوانان در شهر اصفهان رقم خورده است. اسارت عاملیت کلیدواژه‌ای است که می‌تواند زندگی روزمره در دوران تحریم را توصیف کند. وضعیت تحریم برای افراد چنان تجربیاتی را رقم زده است که معانی ذهنی ذیل اسارت عاملیت، همچون ناچاری، ناکامی، محدودیت و ممانعت در برساخت تحریم به‌عنوان واقعیتی اجتماعی دخیل بوده است.

براساس رویکرد برگر و لاکمن، امور زندگی روزمره تا وقتی که با مانعی مواجه نشوند، بی‌وقفه ادامه خواهند داشت و بدیهی و نامعماگون تلقی می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک اختلال

تداوم برخی امور روزمره خصوصاً در حوزه مصرف را قطع کرد. روایت‌های مشارکت‌کنندگان چنین روندی را بازتاب داد. آن‌ها روایت‌هایشان را با اختلالی که تحریم در زندگی روزمره‌شان ایجاد کرده، آغاز می‌کردند و آن را با حس بی‌تفاوتی‌ای که نسبت به آن در لحظه اکنون دارند، پیش می‌بردند. آن‌ها وضعیتی را که از تحریم‌ها حاصل شده است، اکنون جزوی از زندگی روزمره‌شان روایت کردند. استعاره قورباغه‌ای که به تدریج در دیگ آب جوشی می‌پزد، همان‌طور که در روایت یکی از مشارکت‌کنندگان ظاهر شد، گویای چنین روندی در زندگی روزمره است. علاوه بر این مضمون «تاکتیک‌ها در زندگی روزمره دوران تحریم» را می‌توان نمایانگر ظهور روال‌های بدیهی‌نمای جدید، همچون استفاده از فیلترشکن، دانست. همچنین می‌توان به نمایش مصرف اشاره کرد. افراد در این وضعیت جدید، دست به تقسیم مصرف خود در دو ساحت فردی و نمایشی زدند. دو ساحتی که مصرف به دو شکل کاملاً متفاوت در آن‌ها رقم می‌خورد.

در روایت‌های مشارکت‌کنندگان، موقعیت‌های مقایسه‌ای زیاد به چشم می‌خورد. امکان مقایسه نامعماگونگی زندگی روزمره را زیر سؤال می‌برد. به نظر می‌رسد که روال زندگی روزمره در کشورهای در حال توسعه به سبب مقایسه دائمی با کشورهای توسعه‌یافته دائماً مورد خدشه قرار می‌گیرد و بدیهی‌نمایی خود را از دست می‌دهد. با نگاهی به روایت‌ها، از طرفی مشارکت‌کنندگان گزاره‌های مقایسه‌ای با وضعیت کشورهای خارجی روایت می‌کردند که به خصوص در مضمون «فضای مسدود مجازی» و بعضاً در مضمون «مصرف محدودشده» خود را نشان داد. از طرف دیگر، آن‌ها به مقایسه روال‌های روزمره‌شان خصوصاً ذیل مضامین «مصرف محدودشده» و «افول فراغت» پرداختند و خود را با دیگران، مصداقی و همچنین سنخی مقایسه می‌کردند. به این ترتیب آن‌ها دست به سنخ‌بندی‌هایی درون زندگی روزمره‌شان زده بودند. سنخ‌هایی که بیشتر جنبه اقتصادی و در برخی مواقع سیاسی-ایدئولوژیک داشت. آن‌ها در روایت‌هایشان دیگرانی را ترسیم می‌کردند که از لحاظ وضعیت اقتصادی یا مواضع سیاسی-ایدئولوژیک سنخ‌بندی شده بودند. مشارکت‌کنندگان در خرده‌داستان برجام و سیاست خارجی، به سبب اینکه از سیاستمداران و افرادی حرف می‌زدند که تجربه تعامل مستقیم با آن‌ها نداشتند، از سنخ‌بندی کاسبان تحریم و همچنین متعصب تندرو استفاده می‌کردند و با استفاده از آن‌ها از شخصیت‌هایی که در روایت‌هایشان ظاهر می‌شد، ابهام‌زدایی می‌کردند.

همان‌طور که برگر و لاکمان از سنخ‌بندی در تعاملات چهره‌به‌چهره به منظور رفع معماگونگی در کنش متقابل می‌گویند، ما با بازتاب این سنخ‌بندی‌ها در روایت‌های مشارکت‌کنندگان مواجه

بودیم. وضعیت تحریم شرایطی را رقم زده است که مشارکت‌کنندگان در تعاملاتشان از سنخ‌بندی‌های اقتصادی و سیاسی-ایدئولوژیک استفاده می‌کنند. این موضوع در مضمون «اختلال در معاشرت» به خوبی بازتاب یافته است؛ جایی که باتوجه به سنخ‌بندی اقتصادی، مشارکت‌کنندگان برخی از تعاملاتشان را فیلتر می‌کنند. علاوه بر این، سنخ‌بندی سیاسی ایدئولوژیکی که مشارکت‌کنندگان از دیگری داشته‌اند، صرف‌نظر از جهت‌گیری خود مشارکت‌کنندگان، بعضاً به ظهور تعامل چهره به چهره دوقطبی‌شده سیاسی ایدئولوژیکی در زندگی روزمره‌شان در خانواده و محیط‌های دیگر همچون دانشگاه منجر شده است.

با توجه به چارچوب مفهومی، زندگی روزمره افراد تحت تأثیر ساختار زمانی قرار دارد. اگرچه هر فرد می‌تواند درون آگاهی خاصی نسبت به زمان داشته باشد، روایت‌های مشارکت‌کنندگان در یک سیر زمانی قرار داشت که خرده‌داستان برجام نمایانگر آن بود. آن‌ها در یک سیر پیش‌برجام، برجام، پیش‌خروج ترامپ از برجام و پس‌خروج ترامپ از برجام دست به روایت زدند. این را می‌توان آن ساختار زمانی تحمیل‌شده بر آن‌ها دانست که در هر مرحله با بیم‌ها و امیدها و احساساتی همراه بوده است. اما آنچه می‌توان درون آگاهی آن‌ها از زمان دانست، در خرده‌داستان تصور آینده ظهور یافت. مشارکت‌کنندگان زمانی که بر آن‌ها می‌گذشت و اکنون را در نسبت با آینده درک و تفسیر می‌کردند.

با نگاهی به پیشینه پژوهشی، همان‌طور که مطالعه ذکایی و امیری مقدم (۱۴۰۰) طرح کرده است، عاملیت موضوعی است که در جامعه مورد خدشه قرار گرفته است که تحت عنوان اسارت عاملیت بیان شد. همچنین، موضوع کاهش مصرف همان‌گونه که با ادبیاتی کمی کریم و همکاران (۱۴۰۰) نتیجه گرفته‌اند، در روایت‌های مشارکت‌کنندگان قابل‌ردیابی بود. علاوه بر کاهش مصرف، در این پژوهش ما به یافته‌هایی مثل ادغام مصرف و دوساحتی شدن مصرف نیز دست‌یافته‌ایم. همان‌طور که پژوهش‌های هاجدوکویچ (۲۰۱۴) و فریس (۲۰۰۶) نتیجه گرفته بودند، روندهای خلافت‌زادی را می‌توان در زندگی روزمره افراد دید که در دل محدودیت‌های تحریم اقتصادی به کار گرفته می‌شود. به‌طورکلی می‌توان گفت که تحریم اقتصادی به‌طورجدی زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار داده و بدیهی‌نمایی و نامعماگونگی آن را زیر سؤال برده است؛ درعین حال روال‌های بدیهی‌نمایی دیگری در جدال کنشگران و تجربه این وضعیت بر ساخته شده است.

منابع

آقابابایی، احسان (۱۴۰۳) راهنمای عملی پژوهش روایی در علوم اجتماعی، تهران: اطراف.

- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۸)، *پژوهش تحلیل روایتی در روان‌شناسی*. تهران: نشر علم.
- احمدپور، مریم و آزادبخت، فرید و حاتمی، مهدی (۱۴۰۱)، «تحلیل اقتصادی تحریم‌های فرامرزی آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل»، *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۱)، ۴۳۲۶-۴۳۴۳.
- اسماعیل‌پور، ناسو و شاهمرادی، ناه سیرین و کریمی تکانلو، زهرا و نجفی، علی (۱۴۰۱)، «اثرات تحریم‌های تجاری بر اقتصاد ایران با رویکرد تعادل عمومی»، *نشریه سیاست‌ها و تحقیقات اقتصادی*، ۱(۴)، ۷۱-۱۰۶.
- اشرف گنجویی، رضا و ایران‌منش، سعید، (۱۴۰۲)، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا بر شاخص فلاکت کشورهای هدف»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۸(۹۴)، ۲۸۱-۳۲۳.
- افراسیابی، حسین و بهارلویی، مریم (۱۳۹۹)، «پيامدهای تورم در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۴)، ۲۳-۴۴.
- باتلر، کریس (۱۳۹۹)، *آنری لوفور؛ سیاست فضایی، زندگی روزمره و حق به شهر*، ترجمه نریمان جهانزاد، تهران: انتشارات همشهری.
- برگر، پتر و لوکمان، توماس (۱۳۹۹)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- ترکی، لیلا و مظاهری، باران (۱۴۰۱)، «تأثیرات اقتصادی تحریم‌های مالی بر اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۲(۴)، ۶۹-۹۸.
- تریسی، سارا. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه حسن خنیفر و طاهره منیری شریف، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- جعفرزاده، عباس و عسگرخانی، ابومحمد و محمدطاهری، محمودرضا و عطاشنه، منصور (۱۴۰۱)، «بررسی ضمانت اجرای نقض و دورزدن تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل»، *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۱)، ۳۷۵۱-۳۷۶۴.
- ذکایی، محمدسعید و امیری مقدم، محدثه، (۱۴۰۰)، *برساخت اجتماعی مدارا در زندگی روزمره شهری*، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۴)، ۱-۲۳.
- سردارنیا خلیل‌الله، فلاح محمد، البرزی هنگامه (۱۴۰۲). *تهدیدهای امنیتی برآمده از تحریم‌های نفتی ایران*، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۲(۱)، ۲۷۸-۳۰۱.
- سرزعی، علی (۱۴۰۲)، «مروری بر سیاست‌های اقتصادی دولت ایران برای مقابله با تحریم‌های دوره ترامپ»، *نشریه مطالعات خاورمیانه*، ۳۰(۱)، ۲.

سوزی، اسکات (۱۳۹۷)، *معنابخشی به زندگی روزمره*. ترجمه فاطمه مکتوبیان و مریم مکتوبیان. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

علوی، سید یحیی (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در دوره ریاست‌جمهوری اوباما»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳(۴۵)، ۵۱.

غفاری فرد، محمد و کاظمی، سید مرتضی، نبی‌زاده، جاوید، (۱۴۰۱)، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای تجاری ایران»، *نشریه سیاست‌ها و تحقیقات اقتصادی*، ۱(۴)، ۱۶۰-۱۹۱.

فدوی، مرتضی و سیمبر، رضا و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و کشیشیان سیرکی، گارینه، (۱۴۰۱) «مقایسه رویکرد سیاست خارجی آمریکا از راهبرد دیپلماتیک اوباما تا فشار حداکثری ترامپ»، *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۱)، ۴۸۳۶-۴۸۵۳.

کاظمی، عباس (۱۳۹۴)، *پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی*. تهران: فرهنگ جاوید.

کریم، محمد حسین و قائمی اصل، مهدی و موسوی قاسمی، سیدمهدی (۱۴۰۰)، «تأثیر تحریم‌ها بر مخارج مصرف داخلی خانوارها با تأکید بر نوسانات نرخ ارز و درآمد ملی». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۹(۳۴): ۶۹-۸۴.

لاجوردی، هاله (۱۳۹۳)، *زندگی روزمره در ایران مدرن: با تأمل بر سینمای ایران*، تهران: ثالث.
لوفور، هنری (۱۳۹۷)، *فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش‌های هنری لوفور*. مترجمان محمد فاضلی و افشین خاکباز، تهران: تیسرا.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۸)، *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس.

محمدی‌نژاد پاشاکی، محمدباقر و اقبال‌نیا، محمد (۱۴۰۲)، «بررسی و تحلیل اثر تحریم‌های اقتصادی در سرریز نوسان به بازارهای سهام، ارز و سکه طلا»، *نشریه پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، ۴(۲)، ۱۷۳-۱۴۹.

ملکی، زاهد، (۱۴۰۲)، «اقتصاد مقاومتی راهکاری برای مقابله با تحریم بانکی ایران»، *نشریه قانون یار*، ۶(۲۴)، ۸۰۲-۷۷۳.

نوفرستی، محمد و ورهرامی، ویدا و فقیه‌عبداللهی، مهتا (۱۴۰۱). «اثر تحریم‌های اعمالی علیه ایران بر ضریب جینی و متوسط درآمد پنجک‌های مختلف درآمدی در ایران»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱۰(۴۰)، ۶۹-۹۶.

یاری، احسان، رضایی، دانش، غلامی، محمدحسن (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۵۸)»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۶(۹۹)، ۶۳-۹۸.

- Cropps, T. A. (2020). Disappointed but not Surprised: A Critical Narrative Inquiry of Black Women's Doctoral Experiences in Agricultural and Life Science Disciplines (Doctoral dissertation, Purdue University Graduate School).
- De Fina, A., & Georgakopoulou, A. (2008). *Analysing narratives as practices*. *Qualitative research*, 8(3), 379-387
- Ewick, P., & Silbey, S. (2003). Narrating Social Structure: Stories of Resistance to Legal Authority. *American Journal of Sociology*, 108(6), 1328-1372
- Farzanegan, M. R., & Batmanghelidj, E. (2024). Understanding economic sanctions on Iran: A survey. *The Economists' Voice*, 20(2), 197-226.
- Ferris, K. (2006). 'Fare di ogni famiglia italiana un fertiliziot': The League of Nations' economic sanctions and everyday life in Venice. *Journal of Modern Italian Studies*, 11(2), 117-142.
- Flick, U. (2000). Episodic interviewing. *Qualitative researching with text, image and sound*, 75-92.
- Günbayi, I., & Sorm, S. (2018). *Social paradigms in guiding social research design: The functional, interpretive, radical humanist and radical structural paradigms*. Online Submission, 9(2), 57-76.
- Hajduković, I. B. (2014). Remembering the "Embargo Cake": The legacy of hyperinflation and the UN sanctions in Serbia. *Contemporary Southeastern Europe*, 1(2), 61-79.
- Ismael, J. S., & Ismael, S. T. (2009). Living through war, sanctions and occupation: the voices of Iraqi women. *International Journal of Contemporary Iraqi Studies*, 2(3), 409-424.
- Marshall, G., & Barthel, D. L. (1994). *The concise Oxford dictionary of sociology* .
- Ranjbar, A. M. (2022). The Double Bind of Displacement: US Sanctions, the Muslim Ban, and Experiences of Dislocation for Iranians Pursuing Higher Education in the United States. *Annals of the American Association of Geographers*, 112(3), 723-731.
- Riessman, C. K. (2008). *Narrative methods for the human sciences*. Sage.
- Santos, H. (2009). Interpretations of everyday life approximations to the analysis of lifeworld. *Civitas-Revista de Ciências Sociais*, 9(1), 103-117.
- Simić, M. N. (2019). Social construction of (post) postsocialist reality: Ethnographic research into the everyday. *Гласник Етнологичког установа САНУ*, 67(1), 121-134.
- Sparkes, A. C., & Smith, B. (2008). *Narrative constructionist inquiry*. *Handbook of constructionist research*, 1999, 295-314